

حوادث ۱۹ جامجم

تلنگر

کلاهبرداری میلیاردی

به بهانه تحویل فوری خودرو

کارگر شرکت خودروسازی که به بهانه تحویل یک ماهه خودرو، ۳۵ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بود در دام پلیس گرفتار شد.
متهم و همدرستانش برای این‌که ردی از خود باقی نگذارند، پول‌های کلاهبرداری را به حساب دختر هفت ساله‌ای واریز می‌کردند.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، پس از اراجاع گزارشی از یک درگیری در محدوده کلانتری کمالشهر، ماموران پلیس با حضور در محل تحقیقات خود را آغاز کرده و دریافتند، تعدادی مالباخته‌که قربانی کلاهبرداری شده‌اند با مراجعه به مقابل خانه مرد کلاهبردار با خانواده او درگیر و مجروح شده‌اند. پرونده در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت و مشخص شد، همزمان با قرعه‌کشی شرکت‌های خودروسازی، متهم‌که از کارگران یکی از شرکت‌های خودروساز است ادای تحویل یک ماهه خودرو را مطرح کرده و نه تنها خودرویی تحویل نداده، بلکه پاسخگوی متقاضیان هم نبوده.

در ادامه مشخص شد، متهم این کلاهبرداری را به صورت باند انجام داده و حدود۳۵ میلیارد ریال از پول‌های کلاهبرداری را به حساب دختر هفت ساله یکی از اعضای باند واریز کرده بود.

رئیس پلیس آگاهی استان البرز دراین باره گفت: متهم ردیف اول پرونده شناسایی شد و با دستگیری او، سه همدستش شناسایی و آنها هم در دام پلیس گرفتار شدند.

سرهنگ محمدنادر بیگی دراین باره گفت: متهمان تانکون به کلاهبرداری از ۲۵ نفر به ارزش ۳۵ میلیارد ریال اعتراف کرده‌اند.

کوتاه از حوادث

❖ عاملان قتل زن ۶۰ ساله در باغ‌های منطقه کهرود ارak دستگیر شدند.
با کشف جسد، تحقیقات پلیسی آغاز شد و در جریان تحقیقات پلیسی هویت مقتول به دست آمد و تحقیقات ادامه داشت تا این‌که ردپای یک زن و یک مادر و پسر دیگر در این قتل به دست آمد و آنها‌که تحت تعقیب پلیس بودند بازداشت شدند.
متهمان در جریان تحقیقات اعتراف کردند‌که به انگیزه سرقت آن زن راکشته‌اند.
تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از دیگر ابعاد این پرونده ادامه دارد.

❖ مردی‌که به اتهام قتل در زندان شیراز به سرمی برد پس از ۱۷ سال از خانواده مقتول رضایت گرفت.
این مرد ادعای سال ۸۲ در جریان درگیری با فردی او را به قتل رسانده و از آن زمان در شیراز بازداشت و به زندان منتقل شده بود.
اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کرده بودند که به این ترتیب مرد زندانی حکم قصاص گرفت و زیر تیغ بود.
او ۱۷ سال در زندان به سر می‌برد که سرانجام با تلاش مسؤولان قضیه ۷۶ ویژه صلح و سازش استانی فارس پس از ۲۸ جلسه و ۴۲ ماه مذاکره سازشی، خانواده مقتول رضایت دادند.

❖ سکه‌های ۳۰۰۰ ساله در پایتخت کشف شد و شش نفر در ارتباط با خرید و فروش آن بازداشت شدند.

گزارشی در دستور کار ماموران کلانتری سنایی تهران قرار گرفت که نشان می‌داد، مردی ۲۰ ساله با دو پسر ۳۷ و ۴۷ ساله‌اش که ساکن یکی از استان‌های همجوار استان تهران هستند با همکاری دو نفر در تهران باندی را تشکیل داده و در کار فروش سکه‌های عتیقه هستند.
در جریان تحقیقات معلوم شد که آن مرد و پسرانش درپی حفاری‌های غیرمجاز سکه‌ها را یافته و می‌فروختند.
متهمان چند روز پیش بازداشت شدند و ۷۵۰ عدد سکه عتیقه، سه آکبوم مربوط به سکه‌های ۳۰۰۰ هزار سال پیش، یک کتاب قدیمی و تعدادی تجهیزات لازم برای حفاری از متهمان کشف شد.

❖ دو نفر از عاملان خرید و فروش نوزاد جاجرم خراسان شمالی بازداشت شدند.

گزارشی در اختیار پلیس قرار گرفت که نشان می‌داد افرادی در زمینه خرید و فروش نوزاد فعالیت دارند. ردپای دو نفر دراین باره به دست آمد و آنها شناسایی و بازداشت شدند.
متهمان در تحقیقات مدعی بودند که نوزادی را از پدر معتادش که در یکی از شهرهای شمالی کشور زندگی می‌کرده در قبال پرداخت ۱۳ میلیون تومان خریده‌اند، اما بعد از چند روز والدین نوزاد بازگشته و او را پس گرفته‌اند.
در جریان تحقیقات معلوم شد که پدر نوزاد چندبار فرزندش را فروخته و پول گرفته و بعد بازتفند دوباره نوزاد را پس گرفته و پول افراد را بازگردانده است.
تحقیقات برای بازداشت مرد معتاد ادامه دارد.



کرده بود.
تحقیقات نشان می‌داد متهم فراری بدهی‌های سنگین به دولت هم داشته است.
او همچنان تحت تعقیب پلیس بود تا این‌که چند روز پیش در آخرین مخفیگاهش شناسایی و بازداشت شد.
متهم در تحقیقات پلیسی به کلاهبرداری از رزله‌زدگان به بهانه فروش سیمان برای ساخت خانه‌هایشان اعتراف کرد.

شدت حادثه به‌نحوی بود که هر سه نفر تکه‌تکه شده بودند و همه را به پزشکی قانونی بردند تا اجساد احراز هویت شوند.
قسمتی از یکی از اجساد هم مانده بود که رفتند و آن را هم آوردند.
چون پزشکی قانونی گفته بود تا تمام تکه‌های اجساد نباشد، نمی‌توان احراز هویت کرد.❖

امامعلی عبیدی، برادر چرغ عبیدی یکی دیگر از درگذشته‌های این حادثه در مورد اتفاقی که برای برادرش رخ داده است، می‌گوید: «برادرم به من نگفته بود که آنجا می‌رود و خبر نداشتیم. او دو بچه داشت و خیلی ناراحتم که پدرشان را از دست داده‌اند. آن چیزی که در خبرها منتشر شده و می‌گویند این چهار نفر برای جمع‌کردن ضایعات رفته بودند، درست نیست. آنجا منطقه‌ای نیست که ضایعات داشته باشد که اینها بروند جمع کنند. یک منطقه عمومی است که خیلی‌ها می‌روند، هم تفریح می‌کنند و هم شنا. آنها فقط رفته بودند شنا کنند و غسل و حشی بیاورند. کل منطقه، منطقه جنگی و آلوده است و این رودخانه هم در چنین منطقه‌ای قرار دارد، ولی چون در رودخانه آب گرم خوبی وجود دارد، همه از نقاط مختلف مهران برای تفریح و شنا به آنجا می‌روند.❖

آثار جنگ تحمیلی هنوز هم وجود دارد

صداقت ملک‌شاهی، دهیار شهرک اسلامیه مهران درباره این حادثه می‌گوید: «متأسفانه چون هنوز آثار جنگ در مهران زنده است، هر از گاهی شاهد وقوع این حوادث تلخ هستیم. از سوی دیگر، اطراف شهر مهران مناطق روستایی، عشایری و دامداری وجود دارد که اهالی آن را دامدار هستند یا کشاورز و در کل با طبیعت سروکار دارند. به همین دلیل گاهی در این منطقه، پیر و جوان یا حتی کودکان درگیر حوادث ناشی از انفجار ادوات انفجاری می‌شوند. این بندگان خدا هم‌که فوت شدند، به طور کامل با آنها آشنا بودم و می‌شناختم. همگی آنها مردانی با اخلاق بودند که سرشان به زندگی‌شان گرم بود. غیر از این سه نفر که متأسفانه جان‌شان را از دست دادند، یکی از همشهری‌هایمان که جوان بوده و هنوز هم زنده است از افرادی است که در اثر انفجار سلامت خود را از دست داد. او هم برای طبیعت‌گردی به ۲۰ متر پایین‌تر از روستای خود که متوجه ناایمنی می‌شود که زیر گل و دی مدفون شده بود. اصلاً تصورش را هم نکرده بود که این شیء یک نارنجک بوده و ممکن است منفجر شود، اما متأسفانه منفجر شده و در اثر انفجار دو نفر شهید شدند و این بنده خدا هم معلول شد. متأسفانه حادثه فوت افراد در اثر انفجار مین هراز گاهی رخ می‌دهد و دل همشهری‌ها و روستاییان را به درد می‌آورد.❖

قتل پسر ۲۵ ساله در درگیری مرگبار

پسر جوان وقتی ازخانه‌شان در شرق تهران بیرون رفت فکر نمی‌کرد که در جریان درگیری خیابانی به قتل برسد.
پلیس پایتخت در تلاش برای دستگیری عامل یا عاملان این درگیری مرگبار است.
به گزارش خبرنگارجنایی جام‌جم،آخرشبع جمعه ۲۷ تیرامسال پسر ۲۵ساله ازخانه‌شان در یکی از محله‌های شرق تهران بیرون رفت تا به ملاقات یکی از دوستانش برود اما ادیگر بازننگشت. خانواده‌اش چندبار به تلفن او زنگ زدند که پاسخگو نبود. آنها منتظر بازگشت پسرشان بودند که ساعت ۲ بامداد شنبه زنگ در خانه به صدا در آمد. پسر جوان پشت در بود. وقتی در را باز کردند، پسر جوان با سر و صورتی خونین وارد خانه شد، چند قدم برداشت و روی زمین افتاد.

اعضای خانواده‌اش برای نجات پسرشان با اورژانس تماس گرفتند و وی را به بیمارستان الغدیر تهران منتقل کردند. پسر جوان به‌سختی حرف می‌زد و فقط گفت که در درگیری زخمی شده و نتوانست نامی از ضارب یا ضاربان

دستبرد دزدان به مددجویان کمیته امداد

دزدان مامورنما که دستبردشان به خانه زنان تحت حمایت کمیته‌امداد خبرساز شده بود، در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شدند.
به گزارش جام‌جم، کلیم، ۲۷ ثانیه‌ای بسیار تلخ بود. دو زن در میانه اتاقی نشسته‌اند و گریه‌وناله می‌کنند. وسایل خانه‌شان به‌هم ریخته شده بود.
آطورکه در فیلم اعلام می‌شد، دزدان مامورنما به این زنان مددجوی کمیته امداد رحم نکرده و دارایی‌شان را سرقت کرده بودند. انتشار این فیلم در شبکه‌های اجتماعی با واکنش کاربران همراه بود و پلیس خرمشهر هم با توجه به حساسیت ایجاد شده، تحقیقات گسترده‌ای برای دستگیری سارقان آغاز کرد.
ماموران به تحقیق از مالباخته پرداختند که معلوم شد این خانواده تحت حمایت کمیته امداد بودند و دزدان مسلح به خانه آنها حمله کرده و در پوشش مامور وسایل‌شان را به‌هم ریخته و اموال با ارزش را سرقت کرده‌اند. جست‌وجوهای پلیسی برای دستگیری سارقان مسلح فراری ادامه پیدا کرد تا این‌که در کمتر از ۲۴ ساعت ماموران واقعی توانستند رد سارقان فراری مامورنما را پیدا و آنها را با هماهنگی قضایی بازداشت کنند.
در بازرسی از مخفیگاه دزدان مسلح دودست لباس نظامی ناجا، بسیج و اداره برق، یک قبضه سلاح کلت کمری، اسپری، شوکر، دستبند، ست‌کمری پلیسی، اوراق شناسایی مربوط به ناجا

کلاهبرداری از رزله‌زدگان سرپل ذهاب

فرمانده انتظامی استان کرمانشاه از بازداشت فردی خبر داد که به بهانه فروش سیمان برای ساخت خانه رزله‌زدگان سرپل ذهاب از آنها یک میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بود.
سردار علی‌اکبر جاویدان به جام‌جم گفت: چند فقره شکایت از ساکنان یکی از روستاهای سرپل ذهاب که قربانی کلاهبرداری از سوی مردی قرار

انفجار مین به جامانده از دوران جنگ، جان ۳ نفر را در مهران گرفت

شنا روی مین



❖ این اولین بار نیست که ساکنان شهرهای مرزی در اثر انفجار ویرخورد با مین‌های به‌جامانده از هشت سال جنگ تحمیلی کشته یا دچار قطع عضو، نابینایی و معلولیت می‌شوند.
اغلب قربانیان انفجار مین، معمولاً ساکنان مناطق مرزی هستند و هر از گاهی خبر مرگ یا مجروحیت شدید یکی از آنان منتشر می‌شود.
شامگاه جمعه ۲۷ تیر اسد قاسمی، فرماندار مهران از کشته‌شدن سه نفر و مجروحیت یک فرد دیگر در اثر ویرخورد و انفجار با مین‌های باقیمانده از جنگ تحمیلی در منطقه عمومی کله قندی خبر داد.

درگذشتگان در میان نبوده و مشخص نبود آیا آنها برای جمع‌کردن ضایعات رفته بودند یا موضوع دیگری در میان بود.
چند ساعت جست‌وجو کافی بود تا خانواده‌های آنان را پیدا کنیم. صفر خویه، پسرعموی سلیم تاراس، یکی از درگذشتگان مین‌های انفجاری در گفت‌وگو با جام‌جم می‌گوید: «محل حادثه، رودخانه‌ای به نام کنجان چم در نزدیکی مرز مهران است. آنها با هم قرار گذاشتند تا هم شنا کنند و هم چون در آن منطقه غسل کوهی وجود دارد، بعد از شنا، غسل و حشی جمع‌آوری کنند و بعد هم به خانه برگردند. بعد از شنا، وقتی از رودخانه خارج می‌شوند تا لباس‌های‌شان را بپوشند، در حاشیه رودخانه مین زیرپای‌شان منفجر

را بپوشند، در حاشیه رودخانه مین زیرپای‌شان منفجر

اخبار اولیه را که از خبرگزاری‌ها رصد کردیم، همگی یک خبر را اعلام کرده و گفتند هر چهار نفر برای جمع‌کردن ضایعات به مرز مهران نزدیک شده بودند. خبری که در شبکه‌های مجازی هم دست به دست می‌شد و بسیاری از کاربران صرف‌نظر از این‌که به خاطر مرگ هموطنان‌شان ناراحت و دلگیر بودند، از وجود مین در آن منطقه متعجب بودند.
عده‌ای هم انتقاد می‌کردند که چرا تا الان مین و ادوات انفجاری جمع‌آوری نشده که باعث وقوع این اتفاقات تلخ نشود.
نزدیک‌شدن این چهارنفر به مرز برای جمع‌آوری ضایعات، موضوعی بود که فقط یک طرف و در واقع رسانه‌ها در مورد آن صحبت کرده بود، اما حرفی از خانواده‌های

تصادف، راز قاتل فراری را فاش کرد



تصادف، هویت مرد مست که بعد از دعوا با پسر شریکش او را زخمی و صاحب مغازه مر غ فروشی را کشته و گریخته بود در بیمارستان فاش کرد.
به گزارش خبرنگارجنایی جام‌جم، متهم با شریکش در محله یافت‌آباد مغازه میوه‌فروشی داشتند. او و شامگاه هشتم تیر امسال در حالت مستی مقابله مغازه رفت و بعد از دعوا با پسر شریکش او را زخمی کرد و صاحب مغازه مر غ فروشی‌که قصد میانجیگری و پایان دعوایشان را داشت به قتل رساند و متواری شد.
او با دستور رحیم دشتیان، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تحت تعقیب اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و از تهران خارج شد تا این‌که بعد از چند هفته فرار وقتی می‌خواست در خانه دوستش در شهرستان شیروان پنهان شود، در مسیر تصادف کرد و برای درمان روانه بیمارستان شد که از سوی پلیس شناسایی و بازداشت شد.
دیروز متهم به شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در حالی

که پشیمان از قتل مغازه‌دار همسایه و زخمی کردن پسر شریکش بود به بازپرس جنایی گفت: من و همسرم ۱۰ سال قبل ازدواج کردیم و چون صاحب فرزند نمی‌شدیم از هم جدا شدیم و من با خانواده‌ام زندگی می‌کردم. با شریکم مغازه میوه‌فروشی داشتیم. هر کدام مبلغی گذاشته بودیم و آن مغازه میوه‌فروشی را راه‌اندازی کرده بودیم. وی افزود: آن شب مست بودم وقتی با پسر شریکم بر سر این که من در مغازه بمانم و او به خانه‌شان برود درگیر شدم او را زخمی کردم. مقتول خواست میانجیگری کند و آن دعوا را پایان دهد که خودش هم با ضربه چاقوی من زخمی شد. خانه‌مان در نزدیکی مغازه بود و می‌دانستم پلیس اول آنجا می‌رود به همین خاطر خانه‌مان زفته و به خانه خال‌ام رفتم. همان شب با دوستم تماس گرفتم. او موضوع را پیگیری کرد و خبر داد که مرد همسایه فوت شده‌است. یک شب خانه خال‌ام ماندم و چیزی از قتل به آنها نگفتم و روز بعد به خانه دوستم رفتم. اما آنجا هم مطمئن نبود. به همین خاطر به مشهد رفتم و در یک مهمانپذیر ماندم. می‌ترسیدم پلیس ردم را زده باشد به همین خاطر راهی خانه دوستم در شیروان شدم. در مسیر با یک موتور تصادف کردم و به بیمارستان منتقل شدم. در آنجا ماموران به رفتارم مشکوک شده و با استعلام دریافتند به اتهام قتل تحت تعقیبم. به همین خاطر قبل از این‌که بتوانم از پنجره فرار کنم، دستگیر شدم. متهم بعد از اعتراف به این جنایت برای تحقیقات بیشتر به پلیس آگاهی تهران منتقل شد.

مرگ سارق حرفه‌ای در تصادف قبل از محاکمه

دو دوست قدیمی وقتی نتوانستند کاری پیدا کنند، نقشه سرقت از خانه‌های غرب تهران را طراحی و اجرا کردند. یکی از دزدان قبل از جلسه دادگاه در یک سانحه رانندگی جان باخت.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، از سال ۹۵ ماموران پلیس در جریان سرقت‌های مشابه خانه‌ها در غرب تهران قرار گرفته و بررسی پرونده‌ها نشان داد، سرتقت‌ها از سوی دو سارق حرفه‌ای رخ می‌دهد. دزدان با شناسایی ساختمان‌هایی که واحدهای مسکونی زیادی داشت، خود را به عنوان بستگان یکی از همسایه‌ها معرفی کرده و داخل ساختمان

می‌آمدند. بعد هم با شناسایی آپارتمان‌هایی که ساکنانش حضور

نداشتند، قفل در را تخریب کرده و وارد می‌شدند. آنها با برداشتن

وسایل با ارزش و قابل حمل از محل فرار می‌کردند. ماموران،

تحقیقات دراین باره را آغاز کرده و بعد از مدتی ردپای یک سارق

حرفه‌ای را به‌دست آورده و او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها

به سرقت اعتراف کرد و گفت: با یکی از دوستانم به نام سجاد که

از بچگی با هم بزگ شدیم، این سرقت‌ها را انجام می‌دادیم. با

اعترافات آرش، همدستش هم دستگیر شد و بعد از مدتی با

سپردن وثیقه تا روز محاکمه از زندان آزاد شدند. در جلسه محاکمه

متهمان که در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران تشکیل شد،

سجاد حاضر نشد و آرش با ارائه مدارکی عنوان کرد: بعد از آزادی،

همراه سجاد به یک مهمانی رفتیم که در مسیر برگشت تصادف

کردیم و سجاد جان باخت.

در ادامه شکات به طرح شکایت خود پرداخته و یکی از آنها گفت: من

و همسرم دو ساعت از خانه بیرون رفتیم و وقتی برگشتیم متوجه

شکستن قفل خانه شدیم. دزدان با ورود به خانه یک گلدان عتیقه

را شکسته و آن را تکه‌تکه کرده و از خانه خارج کرده بودند. یکی دیگر

از شکات به قضات گفت: دزدان با تخریب قفل کرد وارد خانه شده

و هر چه پول و طلا در خانه داشتیم، سرقت کردند. پس از طرح

شکایت، نوبت به دفاع آرش رسید که او با قبول اتهام سرقت گفت:

من و سجاد از کودکی با هم دوست بودیم و با هم به مدرسه رفتیم،

با هم ترک تحصیل کرده و با هم دزدی‌ها را آغاز کردیم. وضع مالی ما

بد بود و به خاطر فقر سرعت‌ها را انجام می‌دادیم، البته دنبال کار هم

گشتیم اما نتوانستیم کاری پیدا کنیم. مجتمع‌هایی را که رفت‌وآمد

به آنها زیاد بود، شناسایی کرده و با چهره و تیپی موجه مقابل

خانه‌ها رفته و ادعا می‌کردیم فامیل یکی از همسایه‌ها هستیم و از

شهرستان آمده‌ایم. در این مدت خیلی سختی کشیدم و حاضرم

اموال سرقتی را برگردانم و خسارت شکات را جبران کنم فقط از آنها

درخواست دارم مرا ببخشند. پس از دفاعیات آرش، قضات برای

تصمیم‌گیری وارد شور شدند.